

مطالعه تطبیقی بررسی رابطه نامشروع در فقه و حقوق کیفری ایران

مهدی آرین^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۲

چکیده

از آنجایی که انسان‌ها اجتماعی زندگی می‌کنند ناگزیرند در بسیاری از موارد با یکدیگر ارتباط داشته باشند اما اسلام برای این ارتباط حدود و مرزهایی را مشخص کرده است. اسلام در مقایسه با سایر ادیان نسبت به این نوع روابط دیدگاه متعادلی داشته است که می‌توان با استناد به آن جامعه‌ای سالم داشت. از این رو عالمان بزرگ اسلامی همواره با نگارش کتب فقهی و تفسیر آیات و احادیث سعی در انتقال این حد و مرز به تمامی اقشار جامعه دارند. قوانین کشورمان نیز چون همواره با فقه اسلامی در یک سمت و سو قرار دارد، در خصوص این ارتباط نیز مستثنی نبوده و تمامی جرم‌انگاری‌ها ریشه فقهی دارد. مصادیق جرم رابطه نامشروع از شریعت اسلام سرچشمه گرفته و چون همسو با ذات و فطرت انسان می‌باشد، قانونگذاری در این مورد امری حساس و نیازمند تحقیقات حقوقی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی می‌باشد.

واژگان کلیدی: روابط نامشروع، فقه، حقوق کیفری ایران.

مقدمه

جرم رابطه نامشروع همانگونه که نامش مشخص است جرم عام می‌باشد و کلیه اعمال منافی عفت را شامل می‌شود و بنا به تعریف ارتکاب عمل ناروا و مرام جنسی که به موجب قواعد شرعی و قوانین عرفی هر یک مجازات خاصی دارد اعمال منافی عفت نامیده می‌شود البته شاید بتوان گفت که اگر بخواهیم از جنبه کلی به جرم رابط نامشروع نگاه کنیم حتی می‌توان در جرائم مالی نیز به آن اشاره کرد مانند جرائم مربوط به ارتشاء و ربا که نوعی ارتباط مالی نامشروع میان طرفین رخ می‌دهد. با این حال آن چیزی که با گفتن جرم رابطه نامشروع در افکار عمومی ظاهر می‌شود و همان روابط جنسی خارج از عرف و قانون می‌باشد که در این مقاله سعی شده هم از لحاظ فقهی و هم از لحاظ قانونی موضوع را مورد بررسی و تطبیق قرار گیرد.



مطالعه قوانین کشورهای دیگر هم نشان می‌دهد که حتی در کشورهای لاتین، دادگستری آنها نیز برای حفظ خانواده حرمت و قرائت قائل شده‌اند و مثلاً در کشورهای اروپایی مثل انگلستان و فرانسه تن فروشی جرم تلقی می‌شود و در کشورهایی مانند تاجیکستان نیز تن فروشی جرم است و اگر زن یا مردی به هم خیانت کنند مجازات خواهند شد. در شرع مقدس اسلام هم یک قسمت از این مجازات مشمول حد است که از سوی خدا تعیین و در دین اسلام هم مشخص شده است و یک قسمت از این مجازات هم موجب تعزیر است که به اختیار حاکم گذاشته شده است. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که گاهی با اینکه شاید بعضی از روابط شرعی باشد و جرم تلقی نمی‌شود بخاطر وجود شرایط خاص در این روابط جرم انکاری شده‌اند. به عنوان مثال رابطه زوجیت مانع از این نمی‌شود که زن و شوهر در ملاء عام به یکدیگر به شکلی غیرطبیعی ابراز علاقه کنند و این موارد نیز در قانون جرم انکاری شده است.

طرح مسأله

یکی از بزرگترین نیروهای درونی بشر، غریزه جنسی است که اگر از راه‌های اصلی و اساسی کنترل نشود، طغیان می‌کند و پیامدهای بسیار بدی برای فرد و جامعه به دنبال دارد. شاید به همین دلیل بوده است که از منظر دین اسلام و بزرگان دین همواره برای جلوگیری از اشاعه فحشاء و حفظ حرمت آبرو و حیثیت مردم در خصوص مسائل جنسی موضوع چشم پوشی، اختفاء و پرده پوشی سرلوحه کار بوده است. امیرالمؤمنین در مورد زنی که اصرار به اقرار به زناي خویش داشته است مؤید این برداشت می‌باشد. (حرعاملی، ۱۴۱۴) جرم «رابطه نامشروع» از حساسیت بالایی در محاکم قضایی کشور برخوردار است زیرا از آن دسته جرایمی است که جهت بررسی و اعمال قانونی نیاز به شاکي خصوصی ندارد. در کتاب فرهنگ فارسی عمید آمده است که رابطه از نظر لغت، یعنی آنچه که دو تن یا دو چیز را به هم پیوستگی و ارتباط بدهد و مشروع، یعنی آنچه مطابق شرع باشد و شرع آن را روا و جایز بداند بنابراین نامشروع، یعنی آنچه مطابق شرع نباشد و شرع آن را جایز نداند. (عمید، ۱۳۷۱) در این جرم، مدعی العموم می‌تواند شخصاً و بدون این که شاکي خصوصی شکایت کند، وارد رسیدگی به جرم براساس ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی شود. موضوع چالش برانگیز در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، بحث عنصر مادی آن یعنی ارتباط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا است. بنابراین باید به تحلیل این موضوع پرداخت که اساساً چه نوع روابطی بین زن و مرد فاقد علقه زوجیت، ارتباط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا تلقی می‌شوند و مصادیق آنها چه می‌باشند. البته با توجه به سابقه و صبغه شرعی داشتن جرم مذکور، برای فهم مصادیق و موارد آن باید به



منابع اسلامی رجوع کرد، زیرا با بررسی مقررات قانونی ملاحظه می‌شود که تعریفی تحت عنوان رابطه نامشروع به عنوان یک جرم معین و مستقل که باید در مرحله تفهیم اتهام به متهم فهمانده شود، در قوانین جزایی وجود ندارد. به راستی رابطه نامشروع و مصادیق آن چیست و ملاک و ضابطه در تعیین این نوع از ارتباط چگونه است؟ قانونگذار در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی رکن قانونی جرم رابطه نامشروع را تعریف و مصادیقی را برای آن شمرده و مقدار مجازات آن را به طور مشخص تعیین کرده است. در پاسخ به این سوال که آیا باید میان رابطه نامشروع و اعمال منافی عفت عمومی در قانون مجازات اسلامی تفکیک قائل شد یا مترادف هم هستند؟ باید گفت: هر چند که رابطه نامشروع و مصادیق مطرح شده آن در قانون، جزئی از اعمال منافی عفت عمومی محسوب می‌شوند و مترادف هم هستند اما قانونگذار در قانون مجازات اسلامی بین این دو عمل تفکیک قائل شده است و با گذاشتن کلمه «یا» بین کلمات رابطه نامشروع و منافی عفت عمومی، تفکیک قائل شده و حتی اعمال منافی عفت عمومی را زمانی که در انظار و اماکن عمومی و معابر اتفاق بیفتند علاوه بر کیفر عمل صورت گرفته وفق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی به مجازات سنگین‌تر از جمله حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌کند. در رابطه با موارد مطرح شده در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی از قبیل تقبیل و مضاجعه که جنبه حصری یا تمثیلی دارند را مورد بررسی قرار داده باید تصریح کرد: موارد مطرح شده در این ماده جنبه تمثیلی و مصداقی دارند و قضات در موارد مشابه می‌توانند شخصا موارد مشابه را مورد تعقیب و تحقیق و نهایتاً اعمال مجازات نمایند. اما باید یاد آوری کرد که مصادیقی چون استماع تلفنی و یا پیامک به عنوان تنها سند یک پرونده مورد استناد قرار نمی‌گیرد زیرا دیوان عالی کشور آنرا رد خواهد کرد اما مکالمات قرینه بسیار قوی هستند برای رسیدن به ارتکاب جرم و روشن شدن حقیقت؛ البته رویه قضایی نیز این موضوع را تأیید می‌کند و موارد زیادی از رسیدگی‌های قضائی عملاً به محکومیت مرتکبین استماع تلفنی و تبادل پیامک نامشروع از طریق ارسال پیامک و یا تلفن و یا حتی نامه نگاری انجامیده است. بنابراین رابطه بین عنصر قانونی و دو عنصر مادی و روانی یک رابطه طولی است نه عرضی و بدین ترتیب بحث از عنصر قانونی به طور مجزای از عناصر مادی و روانی موضوعیت ندارد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۹)

امروزه بعضاً برخورد ضابطان دادگستری برای شناسایی و تعقیب مرتکبان و محاکم قضایی در انجام تحقیقات مقدماتی و تفهیم اتهام و صدور رأی و مجازات آنها، خلاف راه و روش پسندیده‌ای است که بدان سفارش شده است. بدیهی است در برخورد با مسائل جنسی نباید راه افراط و یا تفریط را در پیش گرفت که هم صحیح و منطقی نیست و هم شرعی و عقلایی نمی‌باشد. جرائم منافی عفت، دارای عوامل و علل فراوانی



است که شناخت هر یک از آنها ضمن اینکه همکاری همه جانبه جامعه شناسان و جرم شناسان و روانشناسان و حقوقدانان را می‌طلبد کمک شایانی در جهت حفاظت جامعه از مفاسدی که دامنگیر آن می‌شود، می‌نماید. یکی از علل اساسی، ارضای غریزه جنسی است و مسائلی همچون مشاهده فیلم‌های شهوت انگیز، مطالعه کتب و مجلات خلاف اخلاق و شرکت در مهمانی‌های مختلط می‌تواند جوان را تا سر حد ارتکاب جرایم جنسی تحریک و ترغیب نماید. (نقوی، ۱۳۴۸)

بررسی تاریخی رابطه نامشروع قبل از ظهور اسلام

دوران بابل و ماقبل هخامنشیان

یکی از مسائل اجتماعی ایران که به حکایت مدارک تاریخی از دیرباز تا عصر ما موجب بروز ناراحتی - های روانی و جسمی و ظهور عقیده های گوناگون روانی گردیده مشکل غریزه جنسی می‌باشد مرگان در تحقیقات خود اشاره به این دارد که در روزگاران قدیم روابط جنسی موجود در قبایل مقید به هیچ قاعده‌ای نبود بطوری که هر زن و مردی به هم دیگر تعلق داشتند و می‌توانستند با هم رابطه داشته باشند و مقصود از اینکه روابط جنسی بشر مقید نبود یعنی اینکه حدودی که امروزه برای روابط جنسی بشر دیده می‌شود وجود نداشته است. مثلاً فکر زنای با محارم وجود نداشت زیرا در ادوار اولیه برادر و خواهر با یکدیگر زن و شوهر بودند و حتی امروزه هم روابط جنسی میان والدین و فرزندان در میان عده‌ای از قبایل آلاسکا در مرکز آمریکای شمالی و شیلی و هندوستان مجاز است. اکثراً روابط جنسی والدین با فرزندان آنها ممنوع بوده ولی بعداً روابط جنسی برادران و خواهران نیز ممنوع گردید. زنان خانواده‌های بزرگ در دوره تمدن بابل در آراستن و پیراستن به یکدیگر سبقت می‌گرفتند و یکی از مورخین می‌نویسد: «در هیچ جا این اندازه برای استفاده از مدت‌های شهنوی و سیله فراهم نیامده است» بابلیان مثل بسیاری از مردم امروز دنیای غرب روابط جنسی را پیش از زناشویی مجاز می‌شمردند و پیش از ازدواج در واقع ازدواج آزمایشی می‌کردند. اگر مردی برای اشتغال به کار یا جنگ مدت زیادی از زن خود دور می‌ماند و برای آن زن چیزی به جا نگذاشته بود که با آن زندگی کند آن زن حق داشت که با مرد دیگری به سر برد و این امر به صورت قانون مانع از آن نبود که چون شوهر غایب حاضر شد و زن دوباره زندگی با او را از سر بگیرد. (راوندی، ۱۳۸۲)



دوران هخامنشیان

در دوره هخامنشیان ازدواج با محارم رواج داشت که اسناد و مدارک زیادی در دست است که از آن جمله می‌توان به ازدواج کمبوجیه دوم با خواهرش، آتوسا دختر کوروش اشاره کرد. نه تنها در بین آریائی‌ان بلکه در بین اقوام سامی نیز جماع و نزدیکی با معلوم سابقه دارد و این عمل ظاهراً در بین ملل شرق نزدیک در دوران بردگی چندان قبیح نبود در آن زمان مرد فقط می‌توانست یک زن داشته باشد و اگر زن نازا بود می‌توانست زن غیرعقدی نیز داشته باشد. در مورد خیانت زن شوهرش او را برده یا اخراج می‌کند. اگر مرد در جنگ اسیر می‌شد، زن می‌توانست شوهر کند اما اگر شوهر اول بر می‌گشت باید به خانه او برگردد. در مورد بی‌وفایی زن با شوهر به یکدیگر مجازست زن به مراتب شدیدتر است. (راوندی، پیشین)

دوران پارتها

در دوره پارتی قاعده عمومی به جدا بودن زن‌ها از زمردها بود. مقام زن نزد پارتها پست‌تر از مقام آنها نزد پارسی‌ها بود. پارتی‌ها در مستدر نگاه داشتن زنان که از رسوم شرقی است افراط می‌کردند. در عصر پارتیان ازدواج، با محارم نیز رایج بود که نمونه از آن ذکر می‌شود: فرهاد مادر خودآموز اورانیا را به زنی گرفت و از سال دو میلادی نقش زن و شوهر توأمآ به روی سکه‌ها دیده می‌شود. آمده که بهترین خانه‌ها متعلق به زنان روسپی بوده زنهای تمام طبقات آزادانه در خیابانها می‌گشتند و از دکانها خرید می‌کردند و با مردها آمیزش داشتند. در این دوران خیانت زن به شوهر خیلی سخت بود و مرد حق کشتار زن را داشته است. (پیرنیا، ۱۳۸۹)

عهد ساسانیان

در عهد ساسانیان سه نوع جرم مستوجب مجازات بود جرم دینی، جرم سیاسی و جرم نسبت به برادران دینی که هتک ناموس جزء جرم سوم بود که مجازات در نوع اول و دوم صرفاً اعلام بود اما مرتکبان گناهان نوع سوم را با مجازات‌های سخت دیگر نیز کیفر می‌دادند. همچنین از نظر دین ساسانیان که زرتشت بود، فحشا، زنا، لواط و بی‌وفایی جزء گناهان کبیره بود. (رضایی، ۱۳۶۷) با تمام این مسائل دختران در صورتیکه پدرانشان مانع از ازدواج دلخواه آنها می‌گشتند، می‌توانستند به روابط آزاد تن دهند. در این هنگام کلیه حقوق آنان نیز محفوظ می‌ماند. (بارتلمه، ۱۳۳۷)



بررسی تاریخی رابطه نامشروع بعد از ظهور اسلام

بعد از ظهور اسلام در خصوص روابط نامشروع حساسیت زیادی نشان داده شده و کیفرهای آن مخصوصاً در خصوص زنا و لواط شدیدتر بوده می‌توان گفت بحق آماری که ارائه داده اند فساد و فحشا در ملکی از قانون اسلام سرپیچی کرده‌اند، چندین صد برابر ملل مسلمان است و در ممالک اسلامی هم که پرونده‌های جنحه و جنایت را آمارگیری می‌نمایند معلوم می‌شود اکثریت از کسانی است که بی بند و بار باشم. اسلام به گرفتن و عقد و نکاح چهار زن را تجویز نموده تا اولاً مردان در سفر یا مریضی زنان یا مشکلات دیگر در زحمت نباشد، زنان هم برای محدودیت به فحشا نکرده اند. (عمادزاده، ۱۳۷۲) در کشورهای غربی فقط روابط دو جنس مذکر آنچه نه در همه کشورهای غربی را جرم شناخته‌اند در حالیکه طبق فقه اسلامی غیر از لواط، مساحقه و زنا گناهی قابل کیفر تشخیص داده شده است و انحراف اخیر (مساحقه) بیشتر در دربار خانها و امرا و فتودال‌هایی که عده کثیری زن عقدی و کنیز در اختیار داشتند، چون این زنان حتی از دیدن مردان محروم بودند گاه برای فرو نشانیدن آتش شهوت به مساحقه دست می‌زدند. در کل می‌توان گفت یکی از عوامل مهمی که به بررسی انحراف جنسی در ایران کمک کرده است محیط فاسد دربار و سلاطین، گرد آمدن غلامان ترک در دربار سلاطین و امرا و وزرا و رجال و بازرگانان و شعرا و مردم عادی بود. (راوندی، پیشین)

پیامدهای ناشی از رابطه نامشروع

از مسائل فرهنگی اجتماعی جامعه ما مسئله ارتباط زن و مرد یا دختر و پسر است این مسأله در جامعه، بطور کامل حل نشده و جایگاهی در خور نیافته است و بصورت مشکلی بزرگ در بعضی از اماکن مانند دانشگاه‌ها، پارک‌ها، کوچه‌ها و حتی شب نشینی‌های فامیلی در آمده، علی‌رغم تلاش‌هایی که برای حل این مشکل صورت گرفته و می‌گیرد هنوز چهارچوب معین و وضعیت مطلوب خود را بدست نیاورده است. و همواره هاله‌ای از ابهام و زوایای مجهول گرداگردش را فرا گرفته است. (اکبری، ۱۳۹۲) در قرآن کریم هم در بسیاری از موارد در روابط زن و مرد از کلمه «معروف» استفاده کرده است این واژه ۳۸ مرتبه به کار رفته که ۱۹ بار آن در خصوص ارتباط با زنان است گویی معیار و میزان «معروف» بودن ارتباط است. (فتاحی زاده، ۱۳۸۲) یکی از این مورد آیه ۲۴۰ سوره مبارکه بقره که علامه طباطبایی در ذیل این آیات می‌فرماید: «معروف به معنای هر عملی است که افکار عمومی آن را عملی شناخته شده بداند و با آن مأنوس باشد و با ذائقه‌ای که عمل هر اجتماع از نوع زندگی خود بدست می‌آورد سازگار باشد. این واژه متضمن هدایت عقلی که شرعی،



فضیلت اخلاقی و هم سنت‌های ادبی و انسانی است و چون اسلام شریعت خود را براساس فطرت و خلقت بنا کرده است. «معروف» همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند. البته مردمی که از راه فطرت و از مقتضای نظام خلقت نظام منصف ذکر دیده باشند. (طباطبائی، ۱۳۸۲) براساس این تعریف باید معیار را در روابط زن و مرد یا دختر و پسر روشن دانست که جامعه با در نظر گرفتن راهنمایی عقل و شرع و فطرت می‌پسندند. بنابراین، ممکن است یک رابطه ای که در یک شرایطی پسندیده و در شرایطی دیگر ناپسند باشند یا برای عده‌ای پسندیده باشد و برای عده‌ای دیگر ناپسند به عنوان مثال در عرف، اگر ارتباط دو جنس مخالف در زمینه‌های علمی، دینی یا اجتماعی و سیاسی باشد، پسندیده و معروف است همچنین اگر این ارتباط جهت گفتگو و تصمیم‌گیری در مسأله ازدواج و آینده زندگی مشترک باشد اما اگر مسأله مورد گفتگو مسائل جنسی و شهوانی باشد، نگاههایی که رد و بدل می‌شود معنی دار باشد، حرکاتی که طرفین نشان می‌دهند، محرک و مهیج باشد، پوشش‌ها نادرست، سبک و جلف باشدف صحبت‌ها بی محتوا، بی فایده و باخنده‌های بلند و وهن آمیز همراه باشد از منظر عرف و عقلا منکر و ناپسند است یا کسی که از جهت ظاهری حد پوشش شرعی را رعایت کند، اما نحوه پوشش او چنان تنگ، چسبان و محرک باشد که به نظر عرف و عقلا، منکر و ناپسند باشد یا ممکن است گفتگوی دختر و پسر در مسائل علمی، فرهنگی، سیاسی یا حتی دینی و قرآنی باشد اما شیوه سخت گفتن و حرکات همراه آن باعث شده که این ارتباط منکر و ناپسند شده مردود است. (فصلنامه تخصصی طهورا، ۱۳۸۹)

رفاقت و روابط دختر و پسر از دیدگاه اسلام

مهر و محبت خوب و پسندیده مورد تأکید قرآن مجید است رفاقت و دوستی به خصوص نگهداری و رام بخشیدن به آن یک ارزش محسوب می‌شود اما باید دید رفاقت با چه کسی باشد و چگونه؟ انسان بویژه در نوجوانی از حرارت جوانی و جذابیت خاصی برخوردار است او خیلی زود به رفاقت و دوستی تمایل نشان می‌دهد و خیلی زود مورد محبت دیگران واقع می‌شود و در این میان کشش دو جنس مخالف نسبت به یکدیگر معکوس‌تر و جدی‌تر از جاذبه‌های دیگر است. (اکبری، پیشین) موضوع رابطه دختر و پسر و حتی دوستی با زن یا مرد نامعلوم در عصر ما با وجود انواع وسایل ارتباطات اجتماعی و جمعی بسیار راحت‌تر و سرپوشیده‌تر از قبل شده و اگر در خصوص تربیت و استفاده از وسایل ارتباطات جمعی کودکان و نوجوانان از هم اکنون دقت نشود آمار این نوع روابط بیشتر خواهد شد و پایداری و نظام خانواده‌ها متزلزلتر از گذشته برخی از دختران و پسران پیش از ازدواج آشکارا با خود یا افرادی از جنس مخالف دوست می‌شوند. این



افراد معمولاً در خانواده‌هایی به اصطلاح امروزی پرورش یافته‌اند که چندان به مسائل شرعی پایبند نیستند و زنگ غرب را به نحو کامل در زندگیشان پذیرفته‌اند. (جوان، ۱۳۸۷) قرآن از یک سو به صراحت می‌فرماید: انسان می‌خواهد آزاد باشد و مانعی پیشروی او قرار نگیرد و هر کس به نفس خویش بصیر و بیناست، هر چند که عذرها و بهانه‌ها بیاورد و از سوی دیگر می‌خواهد روابط زن و مرد قانونمند باشد. (اکبری، پیشین)

پیامد روابط نامشروع در جامعه امروزی

با توجه به اینکه هیچ امر نهی شده‌ای در اسلام بی دلیل نیست با گذشت زمان نه تنها آسیب‌های دین نوع روابط در کشورهای مسلمان به خوبی مشخص شده حتی تحقیق بودن آن را در کشورهای غیرمسلمان و یا کشورهای به اصطلاح مدرن نیز می‌توان دید این اثرات را می‌توان به صورت کلی در سه زمینه مورد بحث و بررسی قرار داد.

پیامدهای فردی

اگر انسان ارضای غرایز و شهوات را تنها هدف زندگی بداند، دیگر معنی ندارد که راه مخصوص را برای آن در نظر بگیرند، بلکه در نظر او هر عملی که بهتر و بیشتر در خدمت شهوات قرار گیرد. چشم چرانی، رابطه نامشروع، خودارضایی، میل و اعتیاد به تماشای عکس‌ها و فیلم‌های مبتذل موجه و پسندیده خواهد بود، هر چند در ستیز با ضوابط عقلی و دینی باشد و به نابودی شرافت انسانی و جامعه بشری منجر شود. (امین زاده، ۱۳۷۷) در حقیقت در این حالت انسان فقط به عنوان یک بعد حیوانی دیده می‌شود و کرامت و شخصیت او درون شهواتش گم می‌شود و زیر سؤال می‌رود. از سوی دیگر یکی دیگر از آسیب‌های فردی این روابط که در جامعه هم دیده می‌شود و کم رنگ تر شدن میل جوانان برای ازدواج است. جوانانی که قبل از ازدواج، روابط نامشروع را تجربه کرده و طهارت روحی و صفای باطن خود را لکه دار ساخته‌اند انگیزه چندان برای ازدواج ندارند و انتخاب همسر برایشان مشکل می‌شود، زیرا از طرفی، به همه شک دارند و از طرف دیگر بعد از ازدواج نیز دل‌کندن از لذتهای گذشته برایشان مشکل می‌شود. تنوع طلبی روانشان را بیمار ساخته چون بعد از ازدواج دوباره به منجلاب فساد کشیده شده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸)



پیامدهای خانوادگی

یکی دیگر از پیامدهای این نوع ارتباط پیامدهای خانوادگی آن است که در قسمت قبل به نوعی از آن نیز اشاره شده معاشرت‌های آزاد و بی حد و مرز در برخی خانواده‌ها زمینه بی بند و باری پسران و دختران را فراهم ساخته و ازدواج را بصورت یک وظیفه، تکلیف، محدودیت درآورده است در سیستم روابط آزاد جنسی پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می‌دهد و آنها را ملزم می‌سازد که یکدیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می‌بخشند. (مطهری، ۱۳۷۶) دخترها و پسرهایی که قیود اطلاعاتی را در رابطه خود نادیده گرفته‌اند و در نقش پدر و مادرانه انگیزه و نه توان لازم را برای انتقال ارزش‌های اخلاقی همچون عفت و حیا به فرزندان خود نخواهند داشت. آنان به دلیل عادت داشتن به ارتباط ناسالم با جنس مخالف الگوی نامناسبی برای فرزندان ندارند اگر این والدین به دلیل غفلت خود و والدینشان گرفتار این روابط شده‌اند، فرزندان با رهنمودها یا سهل انگاری آنها گرفتار چنین رابطه‌ای خواهند شد. (فصلنامه تخصصی طهورا، ۱۳۸۶)

پیامدهای اجتماعی

یکی دیگر از آثار مهم این نوع روابط پیامدهای اجتماعی آن است آن هم در شرایطی که روز به روز وسایل ارتباطات جمعی در حال پیشرفت است و سریعاً هر نوع خبری انتشار می‌یابد. بنابراین هر نوع انتشار خبر این نوع روابط باعث کم رنگ تر شدن عقاید و باورهای مردم بویژه جوانان و نوجوانان می‌شود و ارتکاب گناه و انجام رفتارهای ثروت انگیز را در انتظار عمومی آسان می‌کند و مردم را به بی تفاوتی و سهل انگاری می‌کشاند. یکی از مهمترین عواملی که با وجود رشد نیروهای جسمی، فکری و روحی نوجوان مانع از به جریان افتادن صحیح و اصولی آنها و تأمین سعادت آینده او می‌شود، تسلط میل جنسی به وجودش می‌باشد. عدم کنترل این میل سبب می‌شود که تمام حواس و توجهات انسان و تمام قوای جسمی و مغزی او معطوف هوس بازی ها شود و اگر علائم موفق به هوس بازی نگردد تمام فکر و ذهن او بوسیله این خیالات و افکار، اشغال شده و او مجالی برای انجام کار دیگری و شکوفایی اندیشه و استعدادش پیدا نمی‌کند. این شعله‌ای که در سراسر وجودش زبانه می‌کشد، تمام تر و خشک را با هم می‌سوزاند و شکوفه‌های تازه دمیده در گلزار شخصیت معنوی اش را طعمه آتش سوزان می‌کند. (صبور اردو آبادی، ۱۳۶۸)

علل انحراف و گرایش افراد به روابط نامشروع در جامعه

به طور کلی می‌توان علل انحراف و گرایش افراد به روابط نامشروع را در جامعه ما به این دسته‌بندی تقسیم بندی کرد:

(۱) محرومیت او ارضاع میل جنسی در جامعه

(۲) مشکلات جنسی موجود در روابط زناشویی

(۳) عوامل مادی و اقتصادی

(۴) اختلاف سنی زوجین

انواع روابط نامشروع در قانون

زنا

طبق ماده ۲۲۱ ق.م.ا زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که عقد زوجیت بین آنها نبوده و از موارد و طی به شبهه نباشد و حکم آن در خصوص اینکه زانی یا زانیه دارای چه شرایطی باشد متفاوت است به عنوان مثال در صورتی که یکی از طرفین نابالغ باشد با اینکه زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تأمین و تربیتی محکوم می‌گردد. قانون ایران به حرمت‌های مذهبی و اخلاقی جرائم بر ضد حیثیت و شرافت انسانی توجه دارد. در حقوق خارجی به تدریج به موضوع قبح اخلاقی و مذهبی جرائم بر ضد حیثیت و شرافت انسانی کمتر توجه شده است به طوری که اکنون بیشتر خطرات جرائم جنسی از جمله عمل منافی عفت به عنف هتک ناموس به ویژه وقتی مجنی علیه صغیر باشد را مورد واکنش جدی قرار می‌دهند. (گلدوزیان، ۱۳۹۳) در خصوص حکم زنا برای زانی و زانیه محضر و کج است در صورت عدم امکان صحیح با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بیننده ثابت شده باشد موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصن است در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر کدام می‌باشد. کیفر و حکم در قرآن به شدت برگزار شده است اما در شرایط فعلی با توجه به نظر بعضی از فقهای عظام ممکن است موجب وهن جامعه اسلامی گردد. از این جهت در صورت عدم امکان اجرای جرم با پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با پند شرعی ثابت شده



باشد موجب اعدام زنی محصن و زانه محصنه است حال چنانچه بینه شرعی وجود نداشت باشد و با دیگر ادله زنا ثابت شده است استثنائاً تبدیل مجازات در حد زنا مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است و جرم زنا موجب صد ضربه شلاق برای هر یک از طرفین جرم زنا خواهد بود. (گلدوزیان، پیشین) در خصوص حکم زنا آیاتی در قرآن وجود دارد. در آیه دوم سوره مبارکه نور آمده است که «زن و مرد زناکار را (به هر یک از آنان) یکصد تازیانه بزنید...» در این آیه تصریح به زن و مرد زناکار شده است و حکم مرد و طرف را شامل می‌شود. همچنین از ظاهر آیه به دست می‌آید که این حکم هم شامل زنای محصن و هم شامل زنای غیر محصن می‌شود.

زنا در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) از ادبیات بهتری برخوردار است و شامل هر نوع رابطه جنسی طبیعی و غیر طبیعی و استثنائی نیز می‌شود. ۱- دبوه معنای پشت است بنابراین برای تحقق، جماع حتماً نباید در قبل باشد. ۲- وطی به شبهه یعنی زن و مردی که به گمان وجود رابطه مشروع با یکدیگر نزدیکی کنند حال آنکه در واقع چنین رابطه‌ای وجود نداشته باشد ۳- برای تحقق زنا باید یکی از طرفین مرد و دیگری زن باشد و نزدیکی با خنثی از تعریف زنا خارج می‌گردد ۴- قانون ایران به حرمت‌های مذهبی و اخلاقی جرائم بر ضد حیثیت و شرافت انسانی توجه دارد در حقوق خارجی به تدریج به موضوع قبح اخلاقی و حرمت مذهبی جرائم بر ضد حیثیت و شرافت انسانی کمتر توجه شده است به طوری که اکنون بیشتر خطرات اجتماعی جرائم جنسی از جمله عمل منافی عفت به عنف و هتک ناموس به ویژه وقتی مجنی علیه صغیر باشد را مورد واکنش جدی قرار می‌دهد. (گلدوزیان، پیشین)

در م ۲۲۲ ق.م.ا جماع با میت را نیز از اقسام زنا بر شمرده است مگر در حالتی که زوج باز وجه متوفای خود جماع کند که زنا شمرده نمی‌شود لکن موجب نفی و یک تا هفتاد و چهار ضربه به شلاق تعزیری درجه شش خواهد بود.

در ماده ۲۲۳ ق.م.ا می‌توان به قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» پی برد و بیان شده که هرگاه محکم به زنی مدعی زوجیت یا وطی به شبهه باشد ادعای وی بدون بینه یا سوگند پذیرفته می‌شود مگر آنکه خلاف آن با حجت شرعی لازم ثابت شود.

در ماده ۲۲۴ به آن دسته زناهایی اشاره شده است که قانون برای آن اشد مجازات را در نظر گرفته و نشان از قبح زیاد این شرایط خاص است که در چهار دسته ذکر شده است الف- زنا با معارم نسبی ب- زنای



با زن پدر که موجب اعدام زانی است. ج- زناى مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است
د- زناى به عفت یا اکراه از سوی زانی م ۲۲۴ ق.م.ا در مورد حد اعدام در زناست که البته م ۸۲ ق.م.ا ۱۳۷۰
تفاوتی میان جوان و غیرجوان و محصن و غیرمحصن قایل نبود. اما تبصره ۲ م ۲۲۴ تجاوز به صورت زنا را
به زن هنگامی که زن خواست و تمایل و رضای واقعی به رفتار مجرمانه زناکاری نداشته باشد می‌تواند زناى
به عفت تلقی نمود و قربانی تجاوز را مشمول عافیت از مجازات دانست. به علاوه زناى با زن در حالت
بیهوشی، خواب یا مستی در حکم وقوع زناى به عفت است زن از طریق اغفال و فریب دادن و فریب دادن
دختر نابالغ یا از راه ربایش یا تهدید و یا ترساندن زن و وادار شدن وی به تسلیم ناخواسته نیز به علت فقدان
رضای واقعی قربانی جرم زناى به عفت تلقی می‌شود. (گلدوزیان، پیشین)

در م ۲۲۵ حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه و جم است در صورت عدم امکان اجزای رجم با
پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم باینه ثابت شده باشد
موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک
می‌باشد. کینه رجم گرچه در قرآن مجید به سکوت برگزار شده اما در شرایط کنونی با توجه به نظر بعضی از
فقه‌های عظام ممکن است موجب رهن جامعه اسلامی گردد. از این جهت در صورت عدم امکان رجم با
پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه شرعی ثابت شده
باشد موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است حال چنانچه بینه شرعی وجود نداشته باشد و با دیگر
ادله زنی ثابت شده باشد استثنائاً تبدیل مجازات در حد زنا مورد پذیرش قانون گذار قرار گرفته است و جرم
زنا موجب صد ضربه شلاق برای هر یک از طرفین جرم زنا خواهد بود. (گلدوزیان، پیشین) در م ۲۳۲ ق.م.ا
نیز در خصوص مجازات زنا آمده است که هرگاه مرد یا زنی کمتر از چهار بار اقرار بر زنا نماید به سی و
یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود حکم این ماده در مورد لواط، تفریض و
مساحقه نیز جاری است. سه راه برای اثبات زنا در قانون پیش بینی شده است. اقرار، شهادت شهود، علم
قاضی، در مورد نصاب اقرار با چهار بار نزد حاکم حد زنا اجرا می‌گردد و طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰
در اقرار کمتر از چهار بار، مرتکب مستوجب تعذیر بود که در شرح ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰
عنوان کرده بود که قسمت آخر ماده تعذیر بصورت نامعین با حکم دادگاه یا اصل قانونی بودن جرائم و
مجازاتها مغایرت دارد. اکنون قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به صراحت می‌گوید در اقرار کمتر از چهار بار،
مرتکب بررسی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.



لواط

از نظر فقه اسلامی، لواط شفیع‌ترین و زشت‌ترین عمل انسان‌ها است افکار عمومی جوامع اسلامی، مرتکبین این عمل را سزاوار مجازات می‌دانند. در عمل لواط، فاعل و مفعول هر دو محکوم به حد می‌شوند در زشتی لواط همین بس که قوم لوط همگی به جرم این عمل شفیع، به بلای بزرگی چهار گشته به دوزخ رهسپار شدند و شهرشان ایران و مایه عبرت آیندگان شد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وامطرنا علیهم مطراً فانظر کیف کان عاقبه المجرمین». (سوره اعراف، آیه ۸۴) (و سپس چنان بانهی از سنگ بر آنها فرستادیم که آنها را در هم کوبید و نابود ساخت پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد). امام رضا (ع) هم در خصوص زشتی زنا فرموده است: بدان که حرمت لواط از زنا بیشتر است، زیرا خداوند قومی را (قوم لوط) به خاطر عمل لواط هلاک کرد. ولی کسی را بری زنا هلاک کرد. (مجلسی، ۱۳۷۱)

در ماده ۲۳۳ ق.م.ا آمده است که لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه فتنه گاه در دبر انسان مذکر است. در ماده ۲۳۴ نیز آمده است که حد لواط برای فاعل در صورت عنف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم وجود احصان) اعدام است. بنابراین همانگونه که در فقه نیز آمده است در قانون هم برای لواط حکم سختگیرانه‌تری نسبت به زن در نظر گرفته شده است. قربانیان این قبیل جرائم معمولاً افراد نابالغ و نوجوانان هستند که مورد اغفال و اکراه و اجبار قرار می‌گیرند و بدین لحاظ باید هر اندازه سن فرد قربانی جرائم منافی عفت کمتر باشد، متجاوز، کیفر شدیدتری مواجه باشد. زیرا تناسبی میان تهاجم و دفاع وجود ندارد و کم سن و سال‌ها آسیب پذیر هستند. (گلدوزیان، پیشین)

تفخیز

استمناع جنسی از ران دیگری، به مانند مالیدن آلت تناسلی به آن را تفخیز می‌گویند و از آن در باب حدود سخن رفته است تفخیز مرد با مرد دیگری حرام و موجب ثبوت حد برای هر دو می‌باشد. و در آن به قول مشهور صد تازیانه است (نجفی، ۱۴۱۴ق) در ماده ۲۳۵ هم آمده است که تفخیز عبارت از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین رانها یا نشیمنگاه انسان مذکر است و در تبصره آن نیز آمده است که دخول کمتر از ختنه گاه در حکم تفخیز است اما اینگونه به نظر می‌رسد که چنانچه هتک شد و دخول بود یا خیر با استناد به قاعده در ۶ حد ساقط می‌شود. در ماده ۲۳۶ هم حد فاعل و مفعول را صد ضربه شلاق بیان شده و فرقی



میان محصن یا غیرمحصن و عنف و غیرعنف نیست و فقط در صورتی که فاعل غیرمسلمان باشد حد فاعل اعدام خواهد بود. در م ۲۳۷ ق.م.ا نیز به مواردی که در حکم تفغیذ، لواط نیست اشاره شده است در متن این ماده آمده است که همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفغیذ از قبیل تقبیل و ملامه از روسی شهوت موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعذیری درجه شش است. در م ۱۲۴ ق.م.ا سال ۱۳۷۰ آمده بود که هرگاه کسی را از روی شهوت بیوسد تا ۶۰ ضربه شلاق و تعزیر می‌شود. بنابراین در این جا مشاهده می‌شود که م ۲۳۷ ق.م.ا جدید کامل‌تر از ماده قبلی بوده و روان‌تر است و همه موارد بجز لواط و تفغیذ را شامل می‌شود.

مساحقه

در لغت نامه دهخدا ملحق در معنای جامعه کهنه، ریزه ریزه کردن، ساییدن و پاک کردن و در اصطلاح حقوقی به عمل دو زن که از هم لذت جنسی می‌برند و با مالیدن آلت خود به هم شهوت می‌کنند. (محمودی، ۱۳۷۰) در م ۲۳۸ ق.م.ا آمده است که مساحقه عبارت است از اینکه انسان مؤنث، اندام تناسلی خود را به اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد. تعریف مساحقه در م ۱۲۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ که به صورت کلی بود و دایره شمول گسترده‌تری داشت اما در قانون جدید این کلی‌گویی حذف شده و به صورت دقیق بیان شده است.

در م ۲۴۰ اشاره شده است که در حد مساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محصن و غیرمحصن و عنف و غیرعنف نیست. در ظاهر درباره مساحقه، گذشتگان نمی‌خواستند حریم خصوصی انسان مؤنث را از لحاظ دینی و مذهبی و احسان و عنف و تراضی مورد مجازات‌های متمایز از هم و تبعیض آمیز از لحاظ قبح رفتار انسان قرار دهند. (گلدوزیان، پیشین)

در م ۲۳۹ ق.م.ا حد مساحقه را صد ضربه شلاق بیان کرده همچنین در تبصره ۱ م ۲۳۷ ق.م.ا آمده است که حکم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است بنابراین با تعمیم این ماده در خصوص افراد مؤنث به این نتیجه می‌رسیم که اگر دو فرد مؤنث مرتکب هر عملی جز مساحقه با همدیگر شدند از یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعذیری درجه شش محکوم خواهند شد.



روابط نامشروع مستدجب تعذیر در قانون

بررسی م ۶۳۷ ق.م.ا.

قانونگذار به جای تعریف منافی عفت در این ماده ۶۳۷ ق.م.ا. به ذکر و نمونه تمثیل آن یعنی تقبیل به معنی بوسیدن و مضاجعه به بغل کردن یکدیگر اکتفا کرده است. به علاوه دقت در ماهیت این دو نمونه از عملیات مذکور در این ماده به خوبی نشان می‌دهد که ارتکاب این گونه عملیات که برای ارضای تمیلات جنسی بین زن و مرد نامحرم صورت می‌گیرد، به مرد ارتجاع از قبل یا دبر نمی‌رسد ولی چون نحوه ارتکاب آن با عفت و اخلاق عمومی منافات دارد محرمانه تلقی شده است اینک با اشاره به معنی لغوی عفت و عنایت به مندرجات ماده فوق الذکر به تعریف اعمال منافی عفت در رابطه نامشروع می‌پردازیم. عفت در لغت به معنی پاکدامنی و پرهیزکاری و خودداری از عمل زشت و حرام است و در اصطلاح عفت مرتبه و حدی از پاکدامنی است که اکثریت از مردم علاقه به صیانت آن داشته باشند. معمولاً این مرتبه و حد و مرز زاینده معتقدات اخلاقی و مذهبی و فرهنگی افراد جامعه می‌باشد سپس مفهوم عفت امری اعتباری است و آن عبارت است از حد و مرز اخلاقی است که رعایت آن از نظر اکثریت افراد علت ضروری است با توجه به تعریفی که از عفت ارائه شده عمل منافی عفت عبارت است از حد و مرز اخلاقی که رعایت آن از نظر اکثریت افراد علت ضروری است. با توجه به تعریفی که از عفت ارائه شده عمل منافی عفت عبارت از انجام کارهایی است که از نظر اکثریت افراد ملت با اصول اخلاقی و اعتقاد مردم منافات دارد پس عمل منافی عفت یک امر نسبی است که با سطح افکار و عقاید و آداب و رسوم و اخلاقیات مردم هر جامعه رابطه مستقیم دارد. (ولیدی، ۱۳۸۹) قانونگذار دوم ۶۳۷ ق.م.ا. بعد از ذکر ارتکاب عمل منافی عفت به عنوان پایه مادی جرم با استفاده از کلمه (یا) برقراری رابطه نامشروع را نیز یکی از طریق ارتکاب عمل منافی عفت موضوعی غیر از مراجعه قرار داده است، بطور کلی لفظ رابطه نامشروع در مقابل رابطه مشروع استعمال می‌شود. حال باید برای تعیین موارد نامشروع بودن و رابط به معنی ماده و همچنین عرف جامعه توجه شود زیرا به دلیل عدم تعیین موارد رابطه نامشروع و ارتباط دادن آن با شرع خطر مجازات افراد بی‌گناه و عدم رعایت کیفری احساس می‌شود و اصولاً در کلیه اجتماعات بشری اعم از ابتدایی و در حال رشد و پیشرفت ارضای تمایلات جنسی بین دو جنس مخالف فقط در محدوده شرایط و رعایت آداب و رسوم ناشی از طرز تلقی اکثریت افراد جامعه مجاز و قابل قبول می‌باشد و در مجموع در هیچ اجتماعی ایجاد و روابط بین یک زن و یک مرد بدون رعایت موازین اخلاقی و عرف و عادت رایج، مجاز و قابل قبول نمی‌باشد. در تعریف رابطه نامشروع



می‌توان گفت که هرگونه ارتباط که به قصد ارضای تمایلات جنسی مانند تماس تلفنی، خلوت کردن با یکدیگر رفتن به محل‌هایی که کسی نمی‌تواند به آنجا وارد شود. (زراعت، ۱۳۹۳)

تمایل و رضایت طرفین در رابطه نامشروع

برقراری رابطه مشروع یا نامشروع جزء اعمالی است که با دو طرف محقق می‌شود بنابراین اگر در عمل مزاجه یا تقبیل یک طرف با اکراه مجبور به این کار شده باشد، عمل مزبور رابطه نامشروع نامیده نمی‌شود بلکه عمل منافی عفت است که از یک طرف محقق می‌شود بنابراین قسمت ذیل این ماده هم ناظر به عمل منافی عفت است و شامل رابطه نامشروع نمی‌شود. (ولیدی، پیشین) نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است این است که شخص اکراه شده می‌تواند به دفاع مشروع از خود پرداخته و اکثر این دفاع برابر مقررات شرعی و قانونی صورت گیرد و منجر به قتل متجاوز شود مسئولیتی متوجه مدافع نخواهد بود یعنی قصاص در حق او جاری نمی‌شود. دیه باید بپردازد و نه نسبت به اموال تلف شده مسئولیتی دارد و اگر شخص دیگری هم به دفاع از مجنی علیها بپردازد و مرتکب قتل یا اعمال دیگری شود مسئولیتی ندارد اما اگر مردی هم خود را در حال رابطه نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا با مرد اجنبی ببیند نمی‌تواند از مزایای م ۶۳۰ ق.م.ا بهره بگیرد و مرتکب قتل همسر خود و مرد اجنبی شود چون این حق فقه در خصوص زنا برقرار است. (مومنی، عابدین، ۱۳۸۵)

بررسی مواد شدید کننده مجازات و افراد دخیل در رابطه نامشروع

الف- تکرار جرم: در ماده ۱۳۶ ق.م.ا جدید آمده است که هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب می‌شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعلام است. بنابراین در خصوص آن دسته از جرائم روابط نامشروعی که مجازات آن اعلام نیست مثلاً در خصوص م ۲۳۰ ق.م.ا در صورتی که مرتکب غیرمحصن باشد صد ضربه شلاق خواهد بود و با استناد به این ماده در صورتی که این جرم بیش از سه بار آن را انجام دهد در بار چهارم که آن اعلام خواهد بود. در ق.م.ا سال ۱۳۷۰ به طور کلی اشاره نشده بود و برای هر کدام از جرائم رابطه نامشروع ماده خاصی در نظر گرفته شده بود در ماده ۹۰ آمده بود که: هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می‌شود. در م ۱۲۲ ق.م.ا نیز آمده بود: اگر تفخیز و نظایر آن هر بار تکرار و بعد از هر بار حد جاری شود در مرتبه چهارم در آن قتل است و در م ۱۳۱ ق.م.ا در خصوص مساحقه گفته شده بود که: هرگاه مساحقه سه



بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری شود و در مرتبه چهارم حد آن قتل است. بنابراین دیده می‌شود با توجه به محتوای ماده‌ای که نتیجه آن یکی است قانونگذار برای تکرار جرائم مستوجب حد ماده واحد تعریف کرده که شامل هر سه ماده می‌شود.

طبقه بندی تشدید مجازات از منظر فقه شیعه

از منظر فقه شیعه عوامل تشدید مجازات دارای انواع مختلفی هستند و از جهات گوناگون قابل قسمتند:

الف- در یک تقسیم بندی می‌توان علل تشدید مجازات را به سه قسمت تقسیم کرد:

(۱) عللی که مربوط به قربانی جرم هستند مانند سن و وضعیت جسمانی، وضعیت خانوادگی، درجه قرابت و چنانکه در مسائل مربوط به زنا یا محارم که کتب فقهی ما چنین آمده است: اگر کسی با یکی از زنهایی که محرم نسبی او هستند، مرتکب زنا شود، حد او کشتن است ولی در محرم‌های رضاعی و حبس این حکم نیست. (محقق حلّی، پیشین)

(۲) عللی که مربوط به خود مجرم هستند مانند انگیزه‌های پست مادی و یا ارتکاب جرم با توطئه قبلی و یا شرایط زندگی او مانند محصن بودن می‌دانیم در مسأله حد زنا میان زنا محصنه حد آن اعلام می‌باشد. (زراعت، پیشین)

این تشدید مجازات بخاطر آن است که شخص مجرم در صورت دوم بدون داشتن بهانه، مرتکب چنین عمل خلافی شده است زیرا منظور از زنا محصنه نیز محصنه این است که مرد زن دار زن باشد هر دام که نیاز جنسی او از طریق صحیح و مشروع برطرف می‌شود. به سراغ آلودگی برود که در این صورت مجازات اعلام برای او در نظر گرفته شده است در حالی که مرد بدون همسر و زن بی شوهر دارای چنین حکمی نیست و محکوم به تازیانه است جالب اینکه تنها داشتن زن یا شوهر برای محصن و محصنه بودن کافی نیست بلکه باید همسرش نزد او و در اختیار او باشد بنابراین چنانچه بخاطر مسافرت یا زندانی بودن با بیمار بودن به گونه‌ای که نتواند با او آمیزش جنسی داشته باشد و این نیاز بطور مشروع برطرف نگردد حد اعلام در مورد او جاری نمی‌شود و داخل در عنوان محصون و محصنه نیست. (محقق حلّی، پیشین) حتی اگر کسی ازدواج کرد و هنوز اقدام به عروسی نکرده است هر چن از نظر قانونی زن شوهر دار و مرد زن دار محسوب می‌شود و با حکم زنا محصنه بر او جاری نمی‌شود.



۳) عللی که مربوط به جرم هستند، مانند ارتکاب جرم با اسلحه یا سرقت شبانه، که فقهای عظام مرتکب چنین جرمی را محارب می‌دانند و جزای سختی را برای آن بیان کرده‌اند. شرایط زمانی و مکانی که در تشدید مجازات دخیل هستند از همین قسم است چنانکه در مسائل مربوط به حد زنا در کتب فقهی ما چنین آمده است «کسی که در زمان مقدس و شریفی همچون ماه مبارک رمضان یا روز جمعه و اعیاد اسلامی که پاسداری حرمت آنها لازم است یا در مکان مقدس همچون مسجد و حرم مکه یا حریمهای مقدسه پیامبر و ائمه اهل بیت (ع) مرتکب عمل شفیع زنا شود علاوه بر حد شرعی مقداری به آن نیز افزوده می‌شود، این افزایش بسته به نظر حاکم شرع است و باید خصوصیات زمانی و مکانی و احترام حریمی که شکسته شده و گاه مجموعه امور مختلف را باهم در نظر بگیرد و برطبق آن مجازات را تشدید کند». (محقق حلی، پیشین)

تعدد در قانون مجازات اسلامی

یکی از عوامل عمومی تشدید مجازات که فی‌الجمله مورد قبول فقها قرار گرفته تعدد جرم و ارتکاب مجدد همان جرم است زیرا عدالت و انصاف اقتضا می‌کند که مجازات کسی یکبار مرتکب جرم شده است و آن کسی که چندین بار نظم اجتماعی را آشفته ساخته است یکسان نباشند از سوی دیگر ارتکاب جرائم متعدد گاه نشانه ناسازگاری و حالت خطرناکی بزهکاری است دفاع جامعه اقتضا می‌کند که نسبت به بزهکاران ناسازگار در تصمیم دیگری جدا از مجازات اتخاذ گردد. (شامبیاتی، هوشنگ، پیشین) تعدد جرم عبارت است از اجتماع چند جرم که به یک شخص نسبت داده می‌شود بدون اینکه نسبت به هیچ یک از این جرائم به محکومیت قطعی کیفری رسیده باشد. (ساریخانی، ۱۳۹۲)

این تعریف دارای سه رکن است:

۱) اجتماع چند جرم: بنای این اگر مجرم مرتکب یک جرم فقط بشود از موضوع بحث خارج است.

۲) وحدت مجرم: با این قید تعداد از بحث شرکت در جرم متمایز می‌شود.

۳) عدم محکومیت کیفری قطعی نسبت به هیچ یک از آن جرائم: که با این قید تکرار جرم از تعریف خارج می‌شود. زیرا در تکرار جرم ارتکاب جرم پس از صدور حکم قطعی و اجرای آن است.



بررسی انواع تعداد جرم رابطه نامشروع :

الف- تعدد در حدود برای این دسته سه نوع حالت قابل تصور است :

۱- یا از نظر نوع مختلف: مانند اینکه فردی مرتکب زناى شرب خمر، قذف و ... شود در این فرض تعدد در تشدید مجاز است تأثیری ندارد بلکه برای هر یک از جرائم مجازات جداگانه ای تعیین می‌شود، منتها اگر مجازات یکی از جرائم قتل باشد، باید بعد از مجازاتی اجرا شده که قتل نیست به عبارت دیگر در فرض مزبور واجب است آن حدی که موجب تفویت دیگری نمی‌شود مقدم داشته شود تا بدین ترتیب بین حقوقدانان که واجب هست تحصیل گردند جمع شود. از این رو اول حد تازیانه بر مجرم زده می‌شود و سپس قتل یا سنگسار. (النجفی، ۱۳۶۵) مستند این حکم روایت محمدنبی مسلم از امام صادق (ع) درباره مردی که به او چند حد است که دیگر از آنها قاتل است امام علی (ع) فرمود: «امیرالمؤمنین علی (ع) ازل آ حدود را اجرا می فرمود بعد قتل را و با علی مخالفت نکن» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق) نظیر این روایات، صنه جمادین عثمان و عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) است.

۲- یا از نظر نوع واحد است و اسباب همه آنها نیز واحد باشد. مثلاً سه بار با یک زن در زمان‌های متفاوت مرتکب جرم زنا شود. در این صورت تعدد جرم در تشدید مجازات تأثیر ندارد، بلکه از باب تداخل اسباب، فقط یک حد بر او جاری می‌شود، زیرا مقتضای اطلاق ادله، عدم فرق میان تکرار و وحدت است و با یک بار امثال حاصل می‌شود و نیز اصل حد برائت است بخصوص آنکه حدود مبتنی بر تضعیف هستند. (طباطبائی، ۱۴۰۴ق)

۳- جرائم ارتکاب حدی از نوع واحد اما اسباب همه آنها متعدد باشد مثل اینکه سرباز با زن‌های مختلف مرتکب زنا شو. در این فرض میان فقهای امامیه و وحدت نظر وجود ندارد. بزرگانی چون مرحوم صاحب مختلف الشیعه صاحب جواهر، صاحب ریاضی المسائل، صاحب مسالک، و از فقهای معاصر حضرت امام، میرزا جواد تبریزی، فاضل لنکرانی و ... قائلند که در این مسائل تعدد جرم در تشدید مجازات تأثیری ندارد و بین این صورت و صدوق قبلی فرقی نیست و در هر دو صورت از باب تداخل اسباب فقط یک حد جاری می‌شود و این بزرگواران در این حکم ادعای اجماع می‌کنند و مورد اتفاق بودن حکم موردنظر را به بسیاری از علما نسبت می‌دهند. در مقابل فقهای چون ابن جفیه اسکافی، شیخ صدوق قائل



شده‌اند که در فرض یاد شده قاعده تداخل اسباب معنی ندارد، بلکه اسباب متعدد است، در نتیجه مسببات نیز باید متعدد باشد و علی القائده در مسأله مورد نظر فردی مجرم به سربار مجازات زنا محکوم خواهد شد.

علت تشدید مجازات رابطه نامشروع در فقه اسلامی

فلسفه تشدید مجازات در وجه اول اصلاح مجرم، سپس پاکسازی محیط و سپس تشویق پاکان به پاکی است و این سه فلسفه از خط انتقام جویی به کلی جداست هدف از انتقام جویی خاموش کردن شعله خشم درونی است. هر چند مجرم را بیشتر تحریک به جرم و افزایش تصاعدی جرمها کند. هر چند محیط را آلوده تر سازد، و پاکان را در کار خود دچار بدبینی و نفرت کند. از منظر فقه شیعه عوامل تشدید مجازات از جهات گوناگون قابل قسمت اند در یک تقسیم بندی می‌توان علل تشدید مجازات را به سه دسته تقسیم کرد:

الف- عللی که مربوط به قربانی جرم هستند مانند سن و وضعیت جسمانی، وضعیت خانوادگی، درجه قرابت عللی که مربوط به فرد مجرم هستند مانند انگیزه های پست مادی و یا ارتکاب جرم با توطئه قبلی و یا شرایط زندگی او تأثیر زمان و مکان در تشدید مجازات داخل در همین قسم است.

ب- در تقسیم بندی دیگر، به علل قانونی و علل غیرقانونی تقسیم می‌شوند، علل قانونی عللی هستند که در قانون پیش بینی شده است و علل غیرقانونی آن علل هستند که در قانون پیش بینی نشده‌اند و در اختیار قاضی دادگاه گذارده شده است. در تقسیم بندی سوم عوامل تشدید مجازات به علل خصوص و علل عمومی تقسیم می‌شوند. علل خصوصی به عللی گفته می‌شود که در موارد خاص اعمال می‌شود. علل عمومی تشدید مجازات به عللی گفته می‌شود که در هر جرمی که مصداق پیدا کند موجب تشدید مجازات خواهد بود و جهات عمومی تشدید مجازات در حقوق جزائی ما انحصاراً در دو مورد تعدد و تکرار جرم مصداق پیدا می‌کند.

راهکارهای پیش گیری از روابط نامشروع

دستیابی به هدفی معین در زندگی

هدف دار بودن زندگی از عوامل موثر در بهداشت روانی افراد است. هدف سمت و سوی کار فعالیت و ارتباط افراد را در جامعه مشخص می‌کند. به گفته برخی روانشناسان هدف انسان را به فعالیت‌های متنوع وادار می‌کند و محرک انسان در جریان زندگی است. هدف زندگی و فعالیت‌های مربوط به آن را معنی‌دار



می‌سازد و همین امر در ایجاد آرامش و سکون خاطر موثر است. فردی که در زندگی هدف معینی ندارد، دلیل تاش و کوشش خود را نمی‌داند، آینده روشنی ندارد و از این نظر در حال تزلزل و ناامنی بسر می‌برد. زندگی برای چنین فردی بی معنی و فاقد ارزش است. چنین فردی دچار افسردگی و یأس می‌شود. (شریعتمداری، ۱۳۸۵)

هدف، یدس و ناامیدی را از خود دور می‌نماید، در نتیجه فرد به آسانی تسلیم شکست‌ها نمی‌شود. در این صورت وقت و انرژی در نظر او یکی از نعمت‌های با ارزش خدا محسوب می‌شود. به هیچ قیمتی حاضر به از دست دادن آن نیست و نهایت بهره‌برداری را از آن می‌نماید. در این صورت ارتباط نادرست با جنس مخالف برایش معنی و مفهومی ندارد زیرا هدف او بسیار والاتر است و اگر برای تامین نیازهای عاطفی و جنسی، نیازمند به جنس مخالف در کنار خود است، از راه صحیح و شرعی که همان ازدواج است اقدام می‌نماید و هر گونه با ارتباط‌های ناسالم، وقت، انرژی و نشاط جوانی را از دست نداده و هدف عالی خود را به بهره‌مندی از لذت زودگذر دنیا تنزل نمی‌دهد.

مبارزه با فقر فرهنگی جوانان

برخلاف این تصور که فقر و غنا به تهیدستی و بی‌نیازی مالی و اقتصادی معنا می‌شود، فقر و غنا در اندیشه امام علی (ع) معنای گسترده‌تری دارد. در جایی امام علی (ع) می‌فرماید: «و قال (ع) الاغنی مثل اقل و لا فقراً شد من الجهل» (مجلسی، ۱۴۰۶) هیچ بی‌نیازی مانند عقل و هیچ فقری مانند جهل نیست. در این سخن به قرینه عقل و جهل که از امور معنوی‌اند، منظور از غنا و فقر، بی‌نیازی و تنگدستی معنوی است، امام، فقر فرهنگی را سخت‌ترین و بدترین فقر می‌دهند. در روایت دیگری آمده است که: «قیل له: فای فق اشد؟ قال: الکفر عبدالایمان!» (قمی صدوق، ۱۳۷۳)

اشتغال، ورزش و سرگرمی‌های مفید

در فرهنگ اسلامی، کار و تلاش جایگاه رفیعی است. در قرآن کریم آیات متعددی بیانگر آن است که خداوند جهان را در تسخیر انسان قرار داد و به او افزون بر قدرت جسمانی، نیروی عقل و درک و شعور نیز عنایت فرمود تا با استفاده از آن به کار و تلاش و هموار نمودن مسیر کمال پردازد. در برخی از آیات نیز امر به کار نموده و می‌فرماید: «و ابتغ فیما آتاک الله الداز لآخره و لا تنس نصیبک من الدنیا» (قصص: ۷۷). در آنچه خداوند به تو عطا کرده، سرای آخرت را بجوی و بهره خود را از دنیا فراموش نکن. در روایات نیز کار



و تلاش برای کسب روزی حلال به جهاد در راه خدا مانند شده و کسی که اینچنین تلاش می‌کند مجاهدات (محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی پیشین) همچنین کسب روزی حلال برترین عبادت شمرده می‌شود. رسول اکرم (ص) فرمود: «العبادة سبعون جزء افضلها طلب الحلال» (محمد بن یعقوب کلینی اصول کافی، پیشین) عبادت هفتاد جزء است و برترین اجزاء آن کسب و کار حلال و مشروع است. آموزه های روایی نیز خواب و بی کاری را مورد غضب خداوند متعال می‌داند و امام صادق (ع) بدان اشاره فرموده «ان الله عزوجل يبغض كثرة النوم و كثرة الفراغ» (کلینی، پیشین)

راهکارهای خانوادگی

پس از بیان برخی راهکارها که مربوط به نوجوان و جوان است اینک به بررسی وظایف خانواده در این زمینه می‌پردازیم. طبق آیه شریفه: یا ایها الذین امنوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجارة (تحریم؛ ۶) ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانهاست و سنگهاست نگه دارید. و حدیث امام علی (ع) که می‌فرماید: «کل امری مسئول تمامکت یمینه و عیاله (غیرالحکم، ص ۵ و ۴) هر مردی درباره مملوکان و خانواده خود بازخواست می‌شود. خانواده در تربیت فرزندان نقش بسیار مهمی دارد که در این مبحث به بهترین وظایف خانواده در این مورد اشاره خواهیم کرد.

نتیجه گیری

مسأله علم و آگاهی و شناخت و تغییراتی که در نوع اطلاعات و آگاهی های انسان بوجود می‌آید در تغییر مزاج روحی و نوع برخورد انسان با اشخاص و اشیاء و پدیده‌ها و تبدیل حالت محبت به نفرت یا بالعکس، کاملاً موثر است. اعتیاد به شهوترانی همچون اعتیاد به مواد مخدر نیاز به تغییر بینش و ترک گناه دارد. بدون شک برای موفق شدن در این امر باید زحماتی را متقبل شد و مدتی -به قول معروف- دندان روی جگر گذاشت و از گناهان فاصله گرفت. اساسی ترین راه مقابله به ضد جایگزین ساختن محبت خدا و لذت بردن از خدا و مناجات با او به جای محبت دنیا و لذت‌های مادی است که این فرآیند نیز نیاز به معرفت و عمل دارد. علم به خداوند و ایمان به او و عمل کردن به واجبات و مستحبات به تدریج مزاج انسان را عوض می‌کند و به جایی می‌رسد که انسان دیگر از غیر خدا هیچ لذتی نمی‌برد و بلکه لذت های مادی برایش مشمئز کننده می‌یابد. اصلی ترین روشی که اسلام در مورد ساختن و ساز انسان و تهذیب نفسانی و اعتقادی و عملی او پیشنهاد نموده است استفاده از همین روش علم درمانی است. اگر در اسلام علم و دانش



فریضه شمرده شده است و آیات و روایات وارده در فضیلت علم و عالم افزون از هر باب دیگری است، به خاطر همین است که راه اصلی معالجه‌ی امراض آدمی از طریق علم و آگاهی میسر است؛ همانگونه که ریشه‌ی تمامی بیماری‌ها شوربختی‌ها و شقاوت‌مندی انسان در جهل و بی‌خبری او می‌باشد. مرحله بعدی این است که برای خود برنامه عملی داشته باشیم و با انجام واجبات و ترک گناه، لذت بندگی خدا را بچشیم. اگر کسی لذت قرب به خدا و عبودیت خداوند را بچشد هرگز از گناه لذت برده، راضی نخواهد شد و حاضر نمی‌شود لذت مناجات با خدا و رابطه با اهل بیت (علیهم السلام) را با لذت مثلاً نگاه به نامحرم و مانند آن عوض کند. گفته شده که نفس کلب معلم است؛ یعنی نفس را به هر چه تعلیم دهی با همان خو گرفته و عادت می‌کند.

فهرست منابع

- ابن ادریس الحلّی، محمد بن احمد (۱۴۱۱ه.ق) سرائر؛ ج ۳، موسسه نشر اسلامی، قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵ه.ق). دارالکتاب العربی، ج ۸، بیروت
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶) حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان.
- اکبری، محمود (۱۳۹۲) دختران، پندها و هشدارها، قم گلستان ادب، چاپ چهاردهم .
- الحلّی، جعفر بن حسن (۱۳۸۹ه.ق) شرایع الاسلام، مطبعه نجف، ج ۴ .
- امام خمینی، روح ا... (۱۳۹۰) * تحریر الوسیله، ج ۲، ۲۲م، نجف اشرف مطبعه الداب، چاپ دوم.
- امین زاده، محمدرضا (۱۳۷۷) اسلام و ارضای غریزه جنسی، انتشارات در راه حق.
- انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، انتشارات سخن.
- بهجت، محمدتقی (۱۴۲۶ه.ق) جامع المسائل، ج ۵، چاپ اول، قم.
- پیرنیا، حسین (۱۳۸۹) ایران باستانی، انتشارات دنیای کتاب .
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸) دوزاده رساله فقهیدربا هر نماز جمعه.
- جوان، عبدالله (۱۳۸۷) بررسی روابط دختر و پسر در ایران، قم.
- حر عاملی، محمدحسن (۱۳۹۱ه.ق) وسائل الشیعه، ج ۲۸، بیروت.
- خاکپور، محمدعلی (۱۳۵۴) جرم شناسی زنان، انتشارات موسسه مطبوعاتی عطایی.
- دکتر گلدوزیان (۱۳۸۴) محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ ششم، انتشارات مجد.
- ستوه، هدایت الله (۱۳۷۶) آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات نشر فرهنگ اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۸) المبسوط، انتشارات مکتبه مرتضویه.
- عمادزاده، حسین (۱۳۷۲) تاریخ جریان اسلام، ج اول، تهران، چاپ اول.
- کی نیا، مهدی (۱۳۴۵) علوم جنایی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی نیا، اسداله (۱۳۸۹) روابط دختر و پسر، ناشر؛ سبط اکبر .
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۲) جرایم علیه اشخاص، انتشارات میزان.